



۴۹ نکته‌ی تربیتی  
از داستان حضرت نوح  
(علیه السلام)

# کشته‌ی در امواجی چون کوه

ناصر نادری

اشاره

نوح از پیامبران اولو العزم و بزرگ الهی و نیز از قدیمی‌ترین آن‌ها پس از حضرت آدم و حضرت ادريس است. نام وی چهل و سه بار در قرآن کریم و در سوره‌های مؤمنون، فرقان، شعراء، عنکبوت، احزاب، صافات، صاد، غافر، سورا، قاف، ذاريات، نجم، قمر، حدید، تحریم و نوح آمده است. داستان نوح داستانی پر فراز و نشیب و مملو از درس‌ها و نکته‌های عمیق و طریف تربیتی است که در این شماره به گوشه‌هایی از آن‌ها می‌پردازیم. همراه ما باشید!

## فرازهای مهم داستان حضرت نوح(ع) در قرآن کریم

- هدف نهایی وحی الهی تربیت انسان است. (پروردگارتن)
- گاهی همزمانی و هم عصر و هم دوره بودن با کسی، مانع پذیرش حق و منطق می شود. (بر مردی از خودتان از جانب پروردگارتن وحی نازل شده است. به شگفت آمدید؟)
- فلسفه‌ی رسالت پیامبران هشدار و توجه دادن، مصونیت و پرهیزکاری و دریافت لطف و رحمت خداست. (تا شما را بیم دهد و پرهیزکاری کنید و کاری کند که مورد رحمت قرار گیرید.)
- پرهیزکاری زمینه‌ی نزول رحمت خداست. (پرهیزکاری کنید که مورد رحمت قرار گیرید.)
- «پس تکذیب شدند و ما او و کسانی را که با او در کشتی بودند، نجات پخشیدیم و آنان را که نشانه‌ای مارادوغ می‌پنداشتند، غرق کردیم؛ زیرا مردمی بی‌ بصیرت بودند» (اعراف/ ۶۴).
- ایمان به خدا باعث نجات، و تکذیب آن زمینه‌ی نابودی و هلاکت است. (نجات پخشیدیم... غرق کردیم.)
- کوردلی و بی‌ بصیرتی باعث تکذیب دعوت پیامبران می‌شود. (آن را که نشانه‌های مارادوغ می‌پنداشتند، غرق کردیم.)
- «و به نوح وحی رسید که از قوم تو جز آن گروه که ایمان آورده‌اند، دیگر ایمان نخواهند آورد. از کردار آنان اندوهگین نباش» (هود/ ۳۷).
- انسان به مرحله‌ای از سقوط می‌رسد که امیدی برای نجاتش نیست (دیگر ایمان نخواهد آورد)
- در مسیر تربیت نیاید انتظار داشت که همه‌ی اهداف تحقق یابد (دیگر ایمان نخواهد آورد).
- دلسوزی و تأسیف خوردن برای گمراهی افراد لجوچ منطقی نیست و در تربیت، قابلیت متربی هم نقش اساسی دارد. (از کردار آنان اندوهگین نباش)،
- «کشتی را زیر نظر و الهام ما بساز و درباره‌ی این ستمکاران با من سخن نگو که همه غرق شدنی هستند» (هود/ ۳۷).
- اراده‌ی خدا هم با ابزار طبیعی شکل می‌گیرد. (کشتی را زیر نظر و الهام ما بساز).
- در تربیت، فقط موضعه و پند کارساز نیست، باید به ابزار تربیت هم اندیشید. (ساختن کشتی)
- ابتکارهای بشتری ناشی از الهام الهی است. (کشتی را زیر نظر و با الهام ما بساز).
- در مسیر تربیت، باید زمینه‌ی نجات بی‌گناهان را فراهم ساخت (و درباره‌ی این ستمکاران با من سخن نگو که همه غرق شدنی هستند).
- «نوح کشتی می‌ساخت و هر بار که اشراف و مهتران قومش بر او می‌گذشتند، مسخره‌اش می‌کردند. گفت: «اگر شما ما را مسخره می‌کنید، ما نیز حتماً مانند شما مسخره‌تان خواهیم کرد» (هود/ ۳۸).
- وقتی کسی منطق و استدلال نداشته باشد، مسخره و استهزا می‌کند. (مسخره‌اش می‌کردد).
- بتبرستی قوم نوح و تهدید مردم به آمدن عذاب الهی
- نالمیدی نوح و نفرین قوم خود
- آمدن فرمان الهی مبنی بر ساختن کشتی بزرگ و آموختن نحوه ساختن کشتی توسط فرشته‌ی خدا؛ جبرئیل
- تمسخر قوم نوح برای ساختن کشتی در وسط دشت و خشکی
- آغاز نزول عذاب و شروع طوفان و جوشیدن آب از تنوری
- سور شدن نوح و خانواده‌اش و از هر حیوان جفتی در کشتی غرق شدن قوم نوح و پسرش
- فرود آمدن کشتی نوح بر کوه جودی

## نکته‌های تربیتی

- «نوح را به قومش به رسالت فرستادیم. گفت: ای قوم من! الله را بپرستید. شما را خدایی جزا نیست. من از عذابِ روزی بزرگ بر شما بی‌مناکم، مهتران و سران قومش گفتند: «تو را به آشکارا در گمراهی می‌بینیم». (اعراف/ ۵۹ و ۶۰)
- توحید و خدایپرستی نخستین دعوت پیامبران خدا و اصل مشترک همه‌ی ادیان الهی است. (الله را بپرستید).
- پیامبران همچون معلمان دلسوز بشریت بودند. (ای قوم من!... من از عذابِ روزی بزرگ بر شما بی‌مناکم)،
- اغلب مخالفان پیامبران از ثروتمندان و اشراف بودند. (مهتران و سران قومش گفتند).
- یکی از شیوه‌های دشمنان پیامبران تهمت زدن و توهین بوده است. (تو را به آشکارا در گمراهی می‌بینیم).
- گفت: ای قوم من! گمراهی را در من راهی نیست. من پیامبری از جانب پروردگار جهانیانم. پیامهای پروردگارم را به شما می‌رسانم و شما را اندرز می‌دهم و از خدا آن می‌دانم که شما نمی‌دانید (اعراف/ ۶۱ و ۶۲)
- همه‌ی هستی یک رتبه‌ی پروردگار دارد. (پروردگار جهانیانم)
- در برابر توهین نادانان، باید شکنیا بود و سخن زشت را به نرمی پاسخ داد. (گمراهی را در من راهی نیست).
- پیامبران هم خیرخواه و دلسوز بودند و هم باسواند و آگاه.
- بناراین، در مسیر هدایت، هم به جنبه‌های عاطفی توجه داشتند و هم به ظرفیت‌های علمی و شناختی مخاطبان خود. (شما را اندرز می‌دهم و از خدا آن می‌دانم که شما نمی‌دانید).
- شعاع درک پیامبران از سطح فهم بشر بالاتر است. (آن می‌دانم که شما نمی‌دانید).
- «ای از اینکه بر مردی از خودتان از جانب پروردگارتن وحی نازل شده است تا شما را بیم دهد و پرهیزکاری کنید و کاری کند که مورد رحمت قرار گیرید، به شگفت آمدید؟» (اعراف/ ۶۳)



- گوشه‌گیری و عُزلت‌نشینی موجب رستگاری و نجات نمی‌شود.  
 (در گوشه‌ای ایستاده بود.)
- والدین نسبت به سرنوشت فرزندان خود مسئول‌اند (ای پسر!  
 با ما سوار شو).
- اگر آدمی با بدن باشد، حتی اگر فرزند پیامبر باشد، از مسیر  
 حق طلبی فاصله می‌گیرد. (با کافران نباش.)
- علاوه بر سلامت محیط خانواده، باید محیط جامعه نیز سالم  
 باشد. (با کافران نباش.)
- «گفت: من بر سر کوهی که مرا از آب نگه دارد، جا خواهم گرفت.  
 گفت: امروز هیچ نگهدارنده‌ای از فرمان خدا نیست، مگر کسی که بر  
 او رحم آورد. ناگهان موج میان آن دو حائل گشت و او از غرق شدگان  
 بود» (هود/۴۳).
- در هنگام خطر، خدا پرستان به خدا و مشرکان به غیر خدا پناه  
 می‌برند. (من بر سر کوهی که مرا از آب نگه دارد، جا خواهم گرفت.)
- اگر انسان کافر شود، غرق می‌شود. (او از غرق شدگان بود.)
- در هنگام فرود آمدن عذاب الهی، پیوند خانوادگی به تنها‌ی  
 تأثیری ندارد. باید خود فرد، اهل نجات باشد. (ناگهان موج میان آن  
 دو حائل گشت و او از غرق شدگان بود.)
- «و گفته شد: ای زمین! آب خود فرو بر و ای آسمان! باز ایست. آب  
 فرو شد و کار به پایان آمد و کشتی بر کوه جودی قرار گرفت و ندا  
 آمد که ای لعنت باد بر مردم ستكمار!» (هود/۴۴).
- پدیده‌های طبیعی دارای شعورند و مخاطب خدا و مطیع دستور  
 او هستند. (ای زمین... ای آسمان)
- پس از نابود شدن هم باید ظالم را نفرین کرد. (و ندا آمد که ای  
 لعنت باد بر مردم ستكمار!)
- «وح پروردگارش را ندا داد: ای پروردگار من! پسرم از خاندان من بود.  
 وعدی تو حق است و نیرومندترین حکم‌کنندگان تو هستی» (هود/۴۵).
- در هنگام دعا و سخن گفتن با خدا باید ادب را رعایت کرد.  
 (نیرومندترین حکم‌کنندگان تو هستی.)
- اگر یاری حق نباشد، پیامبران خدا نیز در یافتن مصاديق دچار  
 اشتباه می‌شوند. (پسرم از خاندان من بود.)
- «گفت: ای نوح! او از خاندان تو نیست، او [دارای] عملی ناشایست  
 است. پس چیزی از سر ناگاهی از من نخواه. بر حذر می‌دارم تو را که  
 از مردم نادان نباشی» (هود/۴۶).
- مزیت دینی و اخلاقی بالاتر از مزیت خانوادگی و خویشاوندی  
 است. (او از خاندان تو نیست.)
- انسان‌های خوب نیز به موعظه‌هی الهی نیازمندند. (بر حذر  
 می‌دارم تو...)
- باید از کارهای جاگلانه پرهیز کرد. (بر حذر می‌دارم تو را که از  
 مردم نادان نباشی.)
- در تربیت نباید از عوامل محیطی بازدارنده هراسید. (کشتی  
 می‌ساخت... مسخره‌اش می‌کردند.)
- در برابر عوامل بازدارنده تربیت نباید بی‌تفاوت بود؛ تمسخر در  
 برابر تمسخر. (اگر شما مارا مسخره می‌کنید، مانیز حتماً مانند شما  
 مسخره‌تان خواهیم کرد.)
- «به زودی خواهید دانست که عذاب بر چه کسی خواهد آمد و خوارش  
 خواهد ساخت و عذاب جاودانه بر چه کسی فرود می‌آید» (هود/۳۹).
- با انذار و تهدید، شیرینی استهزا کافران گرفته می‌شود.  
 (به زودی خواهید دانست.)
- عذاب‌های اخروی برای کافران تمسخر کننده بی‌پایان است.  
 (عذاب جاودانه)
- «چون فرمان ما آمد و تنور جوشید، [به نوح] گفتیم: «از هر نر و  
 ماده، دو تا و نیز خاندان خود را در کشتی بنشان، مگر آن کس را  
 که حکم درباره‌اش از پیش صادر شده باشد، و نیز آن‌ها بی را که به  
 تو ایمان آورده‌اند؛ و جز اندکی به او ایمان نیاورده بودند» (هود/۴۰).
- خداوند هم سبب‌ساز است و هم سبب‌سوز. تنور آتش را محل  
 فوران آب قرار می‌دهد، همان‌طور که آتش را بر ابراهیم (ع) گلستان  
 ساخت. آب را که مایه‌ی زندگی است، باعث نابودی کافران می‌گردد.  
 (و تنور جوشید.)
- باید طبیعت و موجودات زنده را حفظ کرد. (از هر نر و ماده، دو  
 تا... در کشتی بنشان.)
- در تربیت، معیار ارزش انسان در معنویت است نه روابط فامیلی.  
 پسر نوح حق سوار شدن بر کشتی را ندارد. (مگر آن کس را که حکم  
 درباره‌اش از پیش صادر شده باشد.)
- «گفت: بر آن سوار شوید که به نام خدا به راه افتاد و به نام خدا  
 بایستد، زیرا پروردگار من آمرزند و مهربان است.
- در آغاز هر کار، نام خدا به آن کار رنگ خدایی می‌دهد. (به نام  
 خدا به راه افتاد و به نام خدا بایستد.)
- حرکت و توقف هر دو با یاری خداست. (به راه افتاد... بایستد.)
- استفاده از ابزار (کشتی)، همراه با توکل به خدا، عامل نجات  
 است. (سوار شوید... به نام خدا)
- نجات انسان ناشی از ربویت، مغفرت و رحمت خداست. (بر آن  
 سوار شوید... پروردگار من آمرزند و مهربان است.)
- «کشتی آنان را در میان امواجی چون کوه می‌برد. نوح، پسرش را  
 که در گوشه‌ای ایستاده بود، ندا داد: ای پسر! با ما سوار شو و با کافران  
 نباش» (هود/۴۲).
- اگر اهل نجات هم باشی، دشواری‌ها در مسیر هدایت وجود  
 خواهد داشت. (در میان امواجی چون کوه)
- تا آخرین لحظه در اندیشه‌ی دیگران باید بود؛ اگر چه کافر  
 باشند. (ندا داد: ای پسر!)

